

ترک‌گرایی در ادبیات آذربایجان بین سال‌های

۱۹۱۹-۱۹۱۲

(با اتکا به خلاقیت احمد جواد)

آفینا ممدلی

چکیده

وحدت قومی و فرهنگی معنوی اقوام ترک همواره پیوندهای ادبی و اجتماعی - تاریخی بین آنها را حفظ و پابرجا نگه داشته است و در دوره‌های حساس، این اقوام نیاز صادقانه‌ای به حمایت و پشتیبانی از یکدیگر احساس کرده‌اند. کشورهای امپریالیستی که دولت عثمانی را مانعی جدی برای سیاست‌های شرقی خود می‌دیدند، آن را در سال ۱۹۱۲ به جنگ‌های بالکان کشاندند. متعاقباً، امپراتوری عثمانی درگیر جنگ جهانی اول شد. در این دوره، انجمن‌های امداد در آذربایجان حوزه‌های خدمت‌رسانی خود را گسترش دادند و شامل قارص، اردهان، چیلدیر، ترابزون، ریزه و سایر نقاط شدند و جوانان شروع به ثبت‌نام در سپاه داوطلبان قفقاز برای جنگیدن در ارتش عثمانی کردند. در میان شاعران آذربایجانی، احمد جواد، که قوی‌ترین پیوندها را با ترک‌گرایی داشت، در جنگ‌های بالکان شرکت کرد و به عنوان عضوی از انجمن امداد در طول جنگ جهانی اول، به طور گسترده در مناطق امپراتوری عثمانی اشغال شده توسط روسیه سفر کرد. ا. جواد یکی از شاعرانی است که آرمان توران را که با ع. حسین‌زاده^۱ در آذربایجان آغاز شد، به بهترین شکل در ادبیات منعکس کرد. بنابراین، این مقاله بر اساس آثار ا. جواد، وسعت و دامنه ترک‌گرایی در ادبیات آذربایجان را در دوره کوتاه بین سال‌های ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۹ ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی: ترک‌گرایی، توران، احمد جواد

Abstract

Ethnic and spiritual unity of Turkish Communities has always preserved the social-historical and ethical ties among themselves. In case of emergencies, they sincerely felt they needed to support each other. Imperialist states, who regarded Ottoman Empire as a strong obstacle in their East politics,

pushed them into Balkan war in 1912. Right after, Ottoman Empire found itself in the center of the World War. In the meantime aid societies in Azerbaijan extended their service areas up to Kars, Ardahan, Cildir, Trabzon, Rize etc. The youth joined Caucasian Volunteer Troop to fight in Ottoman army. Having the closest ties with Turkism among Azerbaijani poets, Ahmad Javad, joined Balkan wars. As a member of aid societies, he also wandered every single region of Ottoman Empire occupied by Russians. A. Javad is one of the most prominent poets who reflected the idea of Turan, established by A. Huseyinzade in Azerbaijani literature. In light of it, in this article, dimension and extent of Turkism in Azerbaijani literature is referred to works of A. Javad during a short period between 1912 - 1919.

Keywords: Turkism, Turan, Ahmad Javad

از اواخر قرن نوزدهم به بعد، مضمون عثمانی به طور مکرر در محافل ادبی آذربایجان شنیده می‌شد. مردمان ترک زبان امیدهای زیادی به دولت عثمانی داشتند و برای اتحاد پیرامون آن تلاش می‌کردند. این امر ناشی از شکل‌گیری تدریجی هویت ملی در میان این مردمان و تلاش آنها برای تعیین سرنوشت و مسیر توسعه خود بود. در واقع، این ایده اتحاد در نتیجه سیاست‌های سرکوبگرانه و اشغالگرانه کشورهای امپریالیستی اروپایی و روسیه علیه مردمان ترک زبان پدید آمد. تنگ‌تر شدن روزافزون حلقه پیرامون امپراتوری عثمانی بر تقویت جنبش‌های ملی در داخل کشور تأثیر گذاشت. با این حال، این وضعیت صرفاً به تشدید رویدادهای تاریخی و سیاسی وابسته نبود. وحدت قومی و فرهنگی معنوی مردمان ترک زبان همواره پیوندهای ادبی و اجتماعی-تاریخی بین آنها را حفظ و پابرجا نگه می‌داشت و در دوره‌های حساس، این مردمان نیاز عمیقی به حمایت و پشتیبانی از یکدیگر احساس می‌کردند. بنابراین، تقویت روابط ادبی-فرهنگی و تاریخی-سیاسی بین مردمان ترک زبان در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تصادفی نبود. کسانی که در ترکیه تحصیل کرده و به آذربایجان بازگشتند، جریان‌های فکری جدید و نمونه‌های ادبی ترکیه را با خود به آذربایجان آوردند و

در میان مردم منتشر کردند. این واقعیت که آثار نویسندگان و شاعران عثمانی در بیشتر مدارس تدریس می‌شدند، زمینه‌ای برای تقویت روحیه و نفوذ ترکی در آذربایجان ایجاد کرد. دولت‌های امپریالیستی برای متزلزل ساختن امپراتوری عثمانی که آن را مانعی جدی بر سر راه سیاست‌های شرقی خود در داخل و خارج می‌دیدند دست به هر نوع شیطنت زدند و امپراتوری عثمانی را وارد جنگ‌های بالکان در سال ۱۹۱۲ کردند. هدف اصلی از جنگ بالکان سلب قدرت عثمانی‌ها در اروپای شرقی بود. روسیه نیز در این جنگ منافع خاص خود را داشت. حملات امپریالیسم اروپا و روسیه به جهان ترک اسلامی باعث شد که احساسات ترک‌گرایی و ناسیونالیسم در آذربایجان تقویت شود. در این دوره، انجمن‌های کمک‌رسانی مختلف ایجاد شد و جوانان شروع به ثبت نام در سهم داوطلبان قفقاز برای جنگ در ارتش عثمانی کردند.

امپراتوری عثمانی که هنوز از زخم‌ها و محرومیت‌های جنگ‌های بالکان رنج می‌برد، خود را درگیر جنگ جهانی اول یافت. در این دوره، انجمن‌های کمک‌رسانی در آذربایجان دامنه فعالیت خود را به سرزمین‌های اشغالی توسط روسیه گسترش دادند. در مورد «انجمن خیریه مسلمانان باکو» که در سال ۱۹۰۵ فعالیت خود را آغاز کرد (به ریاست حاجی زین‌العابدین تقی‌افⁱ و نایب رئیسی آقاموسا نقی‌افⁱⁱⁱ)، در «تاریخ مختصر ادبیات آذربایجان» آمده است: «اگرچه ترکیه در جنگ جهانی علیه روسیه می‌جنگید، اما در آذربایجان برای عثمانی‌ها کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌شد و پناهندگان عثمانی مورد حمایت و تأمین قرار می‌گرفتند. در واقع، افراد ثروتمندی که در این زمینه تلاش قابل توجهی نشان می‌دادند، مانند موسی نقی‌اف و حاجی زین‌العابدین، حتی از سوی دولت عثمانی به عنوان پاداش مدال دریافت می‌کردند.» (تاریخ مختصر ادبیات آذربایجان، ۱۹۴۴، صفحه ۱۵۸) در این دوره کوتاه، ردپای همه این وقایع را می‌توان به بهترین شکل در زندگی، فعالیت‌ها و خلافت احمد جواد در صحنه ادبی آذربایجان مشاهده کرد. در واقع، احمد جواد شخصاً در جنگ‌های بالکان شرکت کرد و در سال‌های جنگ جهانی اول، تحت حمایت انجمن خیریه، در مکان‌هایی مانند قارص، اردهان، ترابزون، ریزه و آرتوین خدمت کرد. نامه‌ها و مقالاتی که شاعر در این دوره نوشته است، دریچه‌ای به زندگی اجتماعی، تاریخی و سیاسی آن دوران می‌گشاید.

احمد جواد (۱۸۹۲-۱۹۳۶) شاعر ملی آذربایجانی است که با شخصیت، فعالیت ادبی و خلاقیت خود جایگاه بی‌نظیری در جهان ترک برای خود دست و پا کرد. ترک‌گرایی که از زمان تحصیل در مدرسه گنجه بر او جواد تأثیر گذاشت، هسته اصلی زندگی و خلاقیت شاعر را در طول جنگ‌های بالکان و جنگ جهانی اول تشکیل داد. م. ا. رسول‌زاده^{i v} درباره منطقه گنجه نوشت: «مدرسه روحانیه» که در گنجه تأسیس شد، زمانی مرکز مهمی بود که در آن روحیه ملی‌گرایی تقویت می‌شد. آذربایجان معلمان، نویسندگان و شاعران زیادی را از آنجا به خود جذب کرد.» (RESULZADE, ۱۹۹۰, صفحات ۱۹-۲۰). ا. جواد یکی از نویسندگان و شاعرانی که حاصل این مدرسه بود. چهره‌های برجسته آموزش، فرهنگ و ادبیات آن زمان، مانند میرزا عباس عباس‌زاده^v، ادریس آخوندزاده^{vi}، علی رازی شمس‌زاده^{vii}، علی نظمی^{viii} و غیره نیز در این مدرسه خدمت می‌کردند. ا. جواد که اولین گام‌های خود را با تحصیل و آموزش در چنین محیط پربار علمی، ادبی و آموزشی برداشت، معلمانی مانند عبدالله سور^{ix} و نیز حسین جاوید که در استانبول از رضا توفیق^x درس گرفته بود را داشت. از این سال‌ها به بعد، ا. جواد خدمت به جهان توران برای رفاه و استقلال ملت ترک را هدف زندگی خود قرار داد. همین احساسات، آرزوها و خواسته‌ها، شاعر جوان را به شدیدترین درگیری‌های جنگ‌های بالکان سوق داد. در طول جنگ جهانی اول، ا. جواد در مناطق نزدیک به خطوط مقدم فعال بود و از طریق یک سازمان کمک‌های بشردوستانه به اسرای جنگی و پناهندگان ترک کمک می‌کرد. نتیجه‌گیری پروفیسور افلاطون ساراچلی^{xi} در مورد فعالیت‌های ا. جواد در این دوره به شرح زیر است: «یکی از جنبه‌های مهم این امر، دامنه و تنوع پرداختن به جنگ جهانی اول در ادبیات ما بود و جنبه دیگر، یادگیری عینی در مورد وضعیت هموطنان و همسایگان ترک ما در این مناطق برای اولین بار بود. برای ا. جواد، این امر همچنین به معنای غنی‌سازی جهان‌بینی او، مشاهده زندگی و یادگیری موضوعات جدید برای خلاقیت هنری آینده‌اش بود. مهم‌تر از همه، این موارد نقش ویژه‌ای در بلوغ و شکل‌گیری دیدگاه‌های ا. جواد در مورد استقلال و ملی‌گرایی ترکی ایفا کردند.» (ساراچلی، ۲۰۰۷، ص ۱۵۸)

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۱۴، خبر درگذشت اسماعیل گاسپیرالی^{xi}، ترک‌شناس بزرگ، محافل ادبی آذربایجان را عمیقاً تکان داد. روشنفکران گنجه به همین مناسبت در مسجد شاه عباس گرد هم آمدند. سخنرانی ا. جواد در آنجا در شماره سپتامبر ۱۹۱۴ روزنامه «اقبال» منتشر

شد. شاعر هم در این سخنرانی و هم در شعر «برای گاسپیرالی» که در آنجا خواند، با اندوه فراوان سوگواری همه اقوام ترک را برای گاسپیرالی توصیف می‌کند، کسی که او را «پدربزرگ معنوی، نابغه‌ای در هر گوشه از جهان اسلام شناخته شده است» می‌دانست. او با یادآوری سخنان حمدالله صوفی^{xi i i} درباره گاسپیرالی می‌گوید: «آقایان، کسی که امروز به استانبول رسیده است، نه یک ادیب ترک، نویسنده‌ای ترک، بلکه، او یک سلطان ترک است.» او ادامه می‌دهد: «وای! حقیقتاً او یک سلطان بزرگ ترک است!» (جواد جلد دوم ۱۳۷۱ ص ۴۰). به نظر ما، یکی از کلماتی که به بهترین وجه بیانگر آنچه اسماعیل بیگ گاسپیرالی برای ترکان انجام داده و ارزشی را که او سزاوار آن است بیان می‌کند، عبارت مختص ا. جواد زیر است: «اسماعیل میرزا به اندازه پیامبرانی که خداوند برای ملت‌های مورد حمایت و محبت خود فرستاده بود، موفق بود.» (جواد، جلد ۲، ۱۹۹۲، صفحه ۴۲)

وقتی ضیا گوک‌آلپ^{xi v}، ترک‌شناس بزرگ و نویسنده کتاب «مبانی ترک‌گرایی»، شعر «عراق» اثر ا. جواد را در سال ۱۹۱۸ در مجله «ینی مکان» منتشر کرد، در عنوان آن نوشت: «هنگامی که ما با روس‌ها می‌جنگیدیم، به یک مجموعه شعر که در قفقاز منتشر شده بود، برخوردیم. شاعر این کتاب با عنوان «قوشما» یک ترک به نام احمد جواد است. تمام اشعار این شاعر میهن‌پرست خطاب به ترک‌های عثمانی، میهن و ارتش است. ما گزیده‌هایی مربوط به جنبه‌های مختلف نبرد را یکی یکی در مجله خود خواهیم گنجاند.» (علیوا، ۲۰۰۲، ص ۲۳۳)

نامه‌ها و مقالات ا. جواد که در طول سال‌های جنگ نوشته شده‌اند، مانند «نامه‌هایی از آجارستان»^{xv}، «زبان در آجارستان»، «کمک به لازها»، «در راه سوخومی»، «قربانیان فجایع ریزه و ترابزون»، «از جمعیت اتحاد مسلمانان باتومی»، «از آثار هیئت قارص»، «مطبوعات گرجستان و آجارستان» و غیره، حاوی اطلاعات تاریخی و قوم‌نگاری ارزشمندی در مورد وضعیت گذشته و حال مردمان محلی هستند. در اشعار او که در این سال‌ها نوشته شده است، مانند «به قربانیان جنگ/ Harp-zədələrə»، «امداد»، «آنچه دیدم/ Nə gördümse»، «به امید من/ Ümidimə»، «درد من/ Dərdim»، «عراق»، «عصرها/ Axşamlar»، «غم عاشیق/ Aşığın dərdi»، «مه/ Mayıs» و غیره، فجایعی که بر مردمان ترک زبان وارد شده است، منعکس شده است. شاعر در شعر «آنچه دیدم» که به اوضاع قارص در طول جشن نوروز می‌پردازد، شرح می‌دهد که چگونه طبیعت نیز گریست و چگونه صدای جغدها به جای

اذان از منبرها شنیده می‌شد. ناله‌ها و دردهای مردم غرق در غم و اندوه را در قالب شعر می‌ریزد.

از آنجایی که ترک‌گرایی به معنای درک هویت ترکی، اعتلای ملت و تلاش برای وحدت اقوام ترک است، می‌توانیم تمام فعالیت‌ها و خلاقیت‌های ا. جواد را خدمت به ترک‌گرایی بدانیم. ترک‌گرایی، ایده، موضوع و روح خلاقیت ا. جواد را به طور کامل در بر می‌گیرد. از این نظر، شعر «چیرپینردین قارا دنیز/ تو تقلا می‌کردی، دریای سیاه»^۱ به ویژه جالب است. هیچ شعری در مورد دریای سیاه به اندازه این شعر مورد علاقه، گسترش و تحریک قلب‌ها قرار نگرفته است. آهنگسازی این شعر توسط اوزیر حاجی‌بیگلی، که خود یک ترک‌گرا و اولین خالق اپرا در شرق است، صرف نظر از زمان، در ترکیه و آذربایجان از بر زبانهاست و زنده خواهد ماند. شاعر در شعر «شعیریم/ شعر من»، که توران را به اندازه کعبه مقدس می‌داند، در برابر سایه هر یک از سنگ‌های آن تعظیم می‌کند:

«توران اوئوله بیر مقدس کعبه دیرکی، هر بیر داشی

کؤلگه‌سینده دوشه ر یثره تورکون آییلمه یه ن باشی!»^۲

در واقع، «در دهه‌های اول قرن بیستم، ترکیه به معنای واقعی کلمه، مکه مکرمه برای ترک‌های حاشیه امپراتوری عثمانی بود. آذربایجانی‌ها، تاتارها، باشقیرها، ازبک‌ها، اویغورها و غیره، و همچنین ترک‌های ساکن اروپا، برای نوآوری، پیشرفت و به طور کلی تر، برای خدمت به هویت ترکی و اسلامی رو به این کشور داشتند»^۳

در سال ۱۹۱۷، در باکو، «جمعیت خیریه» کتابی با عنوان «کمک برادر» (Qardaş köməği) منتشر کرد که شامل اشعار، داستان‌ها و مقالاتی از روشنفکران آذربایجانی در مورد درد و رنجی بود که امپراتوری عثمانی در طول جنگ جهانی اول متحمل شد. این کتاب شامل آثاری از ۳۷ نفر، از جمله م. ا. رسول‌زاده، ح. جاوید، ع. شایق، ع. صحت، ف. کؤچرلی، ا. حق‌وردیف، م. س. اردوبادی، م. ی. جعفروف، خسرو بیگ سلطانوف، ج.

^۱ CAVAD, 1992: 1.c. s.149-150

^۲ CAVAD, ۱۹۹۲: ۱.c. s.۱۲۴

^۳ برای اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع، رجوع کنید به: احمد بیگ آقاوغلو، منتخب آثار، پیشگفتار: قلی اف و. (صفحات ۳۲-۴)، ۲۰۰۷، شرق-غرب، باکو، صفحات ۳۲-۳۱.

جبارلی و دیگران است. شعر «یازیق» (چه حیف) و داستانی با عنوان «خدا قبول نکه» (خدا نپذیرد) از ا. جواد در آن گنجانده شده است. شاعر توضیح می‌دهد که موضوع کتاب از تجربیات واقعی زندگی‌اش گرفته شده است، تجربیاتی که او هنگام سفر به مناطق جنگ‌زده به نمایندگی از جمعیت خیریه برای کمک به آسیب‌دیدگان جنگ با آنها مواجه شده است. شخصیت اصلی داستان، زنی کرد است که وطن و خانه‌اش ویران شده و در ترکیه، ایران و روسیه به دنبال فرزند گمشده‌اش سرگردان است. انجمن خیریه متوجه می‌شود که فرزند این زن که به آنها متوسل شده، توسط یک افسر روسی ربوده شده است. ا. جواد با انتخاب کلمات مادر بیچاره که مدام با خود تکرار می‌کرد «خدا قبول نکه» به عنوان داستان، کسانی را که سرزمین‌های عثمانی را به میدان جنگ تبدیل کردند، به خدا می‌سپارد. شاعر با تمرکز بر یک مادر کُرد که تابع عثمانی بود، وحشت، سنگینی و از همه مهم‌تر، دامنه فجایع ناشی از فروپاشی امپراتوری عثمانی و فجایع ناشی از آن برای ملت‌ها را با وضوح بیشتری نشان می‌دهد.^۴

شاعر در شعر «خطاب به کوروپاتکین» طی انتقاد از سیاست‌های استعماری کشورهای امپریالیستی نسبت به مردمان ترک، واکنش خود را به قیام‌های آسیای مرکزی که از ظلم روسیه به جنگ آزادی‌بخش تبدیل شد، بیان می‌کند. شاعر با اشاره به کوروپاتکین، مجری سیاست روسیه در منطقه، به عنوان «جلاد ترکستان»، ژنرال مشهور روسی الکسی کوروپاتکین را که در سال ۱۹۱۶ به عنوان فرماندار ترکستان منصوب شد و فرمانده ناحیه نظامی ترکستان بود، هدف قرار می‌دهد.

از آنجا که یادآور روزگار ماست، گزیده‌ای کوچک از شعر «انگلیس» شاعر که در سال ۱۹۱۸ سروده شده و امپریالیسم بریتانیا را هدف قرار داده، ارائه می‌شود:

داماغیندا "چاناق قالا" آغی‌سی،

سن میسه‌ن تورک ائل لرینین یاغی‌سی؟

ایسلام دونیاسینین اؤلوم چالق‌ی‌سی،

اؤلوم لایلاسیلا یاخان اینگیلیس.

ساریپ هندستانین جانسیز قُولونو،

^۴ همچنین ر.ک: GARDAS KÖMƏĞİ، احمد جواد، «خدا قبول نکه»، ۲۰۰۲، نورلان، باکو، صص

گل‌دین باغلامایا توران یولونو.
آلدادیب هر یئرده تانری قولونو،
اینسانلاری اوجوز ساتان اینگیلیس.

او خائن گوزونو تیکتیغین ائل‌لر،
منیم نیشانلیم‌دیر، تور کولر سؤیلر...
گوز تیکمه تختیمه، باخ، الیم تیره‌ر،
دوشه‌جک تختینه تالان، اینگیلیس!^۵

میرزا‌بالا محمدزاده ^{xvi}، چهره مشهور ادبیات مهاجرت، در سال ۱۹۱۸، شعر «بسم
الله» جواد را که با شور و شوق فراوان از ورود ارتش اسلامی قفقاز به آذربایجان استقبال
کرده، «حماسه پیروزی استقلال» توصیف می‌کند.^۶
ای باکی، سن قورخما، گل‌دیک گه‌له‌لی،
سنین اوچون آتیلدیق دایم ایله‌ری!
ساغ قالان‌لار آنالارا تسلی،
شهیدلرین روحو گولر، بسم الله!^۷
تصادفی نیست که شاعر این شعر را «بسم الله» نامید، و در واقع دعایی برای برکت
خداوند به خاطر شروع تلاش برای میهن مقدس بود. در اینجا چند نمونه از اشعار او از این نوع
را ارائه می‌دهیم:

ای شانلی اؤلکه‌نین شانلی اوردوسو،
اونوتما قافقازا گیردیغین گونو.
گلیرکن قووماغا توراندان روسو

^۵ CAVAD, Ahmed ۱۹۹۲: Seçilmiş eserleri, ۱.cilt, s.۱۵۰-۱۵۱

^۶ Bu konuda bkz: MIRZA BALA ۱۹۵۳: “İstiklal Zaferinin Destanı”, “Azerbaycan” aylık kültür dergisi, sayı ۶ (۱۸), yıl II, eylül, s. ۳-۴

^۷ CAVAD, ۱۹۹۲: ۱.c. s. ۱۴۷-۱۴۸Q

آیاغینی قارادنیز اؤپدو مو؟^۸ («تورک اوردوسونا»)

شو قارشیکی دومان چیخان باجادان
سن گلمه دن اینیلتی لر چیخاردی!
گجیکسه یدین مظلوم لارین فریادی
یثری، گویو، کابیناتی ییخاردی!

یثری، یثری باتان گونون ایزینه!
گولومسه بیر دوغان گونش یوزونه!^۹ («ای عسکر»)

او آرزو و رؤیای آن را در سر می‌پروراند که جمهوری مستقلی که برای اولین بار
در جهان ترک مسلمان در آذربایجان ایجاد شده بود، در سایر سرزمین‌های ترک نیز تأسیس
شود:

ایسمارلادیم نیشانلیما
من تورانا گنڈیرم.

قارداشیمی قورتارماغا

تورکستانا گنڈیرم!^{۱۰} («مارش»)

اشعار با این روح که با شور و اشتیاق فراوان و وقار سروده شده‌اند، حضوراً جواد
را در صفوف ارتش توران منعکس می‌کنند. شعر او با عنوان «شهیدلره/به شهیدان»^{۱۱} شعری
سوزناک و سرشار از احترام و تکریم به روح و قهرمانی شهدای عثمانی است که جان خود را
برای آزادی باکو فدا کردند.

«این شعر یکی از بهترین نمونه‌های ادبی است که روشنفکران خلاق آذربایجان برای
جاودانه کردن یاد همراهان شهیدشده نوری پاشا سروده‌اند. در اینجا، احساسات صادقانه‌ی

^۸ CAVAD, ۱۹۹۲: ۱.c. s. ۱۵۲

^۹ CAVAD, 1992: 1.c, s. 152

^{۱۰} CAVAD, 1992: 1.c. s. 210

^{۱۱} CAVAD, ۱۹۹۲: ۱.c. s. ۱۵۴-۱۵۵

شاعر نسبت به شهدای ترک با احساسی عمیق ترکیب شده و به قلب شنندگان راه یافته و ترجمان احساسات خود آنها می‌شود.» (سلیمانوف، ۲۰۰۰، ص ۱۰۴)

«بله، امروز ترک‌های آذربایجانی یک دولت مستقل تشکیل داده‌اند. بدیهی است که تنها حامی این دولت، ترک‌های عثمانی هستند!» (جواد، جلد ۲، ۱۹۹۲، صفحه ۸۴). جواد این سخنان را در سال ۱۹۱۹ در دیدار روشن اشرف اون‌آیدین، خبرنگار روزنامه «یئنی گون»، با روشنفکران آذربایجانی بیان کرد. مقاله او در این مورد با عنوان «روشن اشرف بیگ» در شماره ۲۴ اکتبر روزنامه «آذربایجان» منتشر شد. مقاله با این عنوان آغاز می‌شد: «، خدا را شکر ترک‌های عثمانی و ترک‌های آذربایجانی، نوادگان مادر بزرگی که قرن‌ها از هم جدا بودند بالاخره از چنگال یک دوره طولانی جدایی رهایی یافتند...» (جواد، جلد ۲، ۱۹۹۲، صفحه ۸۴)

بعدها، خبر اشغال استانبول تمام جهان اسلام و ترک را ویران کرد. شاعر، که محکوم به تماشای بی‌اختیار فروپاشی امپراتوری عثمانی بود، امپراتوری‌ای که قرار بود آرمان توران را محقق کند، نتوانست شادی استقلال را به طور کامل تجربه کند. شاعر در شعر خود «خطاب به پرچم آذربایجان» که در آوریل ۱۹۱۹ سروده شده است، می‌گوید:

تورکستان یئل لری اؤپوپ آلنینی
 سؤیله بیر دردینی سنه، بایراغیم!
 اوچ رنگین عکسینی قوزغون دنیز^{۱۲} دن
 ارمغان یوللا سین یارا، بایراغیم!^{۱۳}

شاعر آرزو می‌کند که ترکستان نیز مانند آذربایجان به استقلال دست یابد. با این حال، با درک اینکه جمهوری خلق آذربایجان نیز دوام نخواهد آورد، آهی می‌کشد و می‌گوید:

گنده رکن تورانا چیخدین قارشیم،
 کؤلگه ن - دولت قوشو، قوندو باشیم!
 ایدین وئر گؤزومده جوشان یاشیم

^{۱۲} کنایه از دریای خزر است. / مترجم

CAVAD, ۱۹۹۲: ۱. C. S. ۱۳۷-۱۳۸ ^{۱۳}

دینلتسین دردینی آها، بایراغیم!^{۱۴}

شعر «استانبول»^{۱۵} یکی از آثار شاعر است که عمیق‌ترین اندوه و غنای والا را در خود جای داده است. زیرا حتی اگر آذربایجان مستقل می‌بود، اشغال استانبول به معنای فروپاشی آرمان توران بود. مبانی نظری ترک‌گرایی توسط ا. گاسپیرالی، ی. آقچورا^{xvii}، ع. حسین‌زاده و ض. گوک‌آلپ داده شده است. در این دوره، برای زنده نگه داشتن دولت عثمانی - تنها قدرتی که قادر به تحقق آرمان توران بود - و همچنین به این دلیل که کشورهای مسیحی در تلاش برای تجزیه جهان اسلام بودند، ملی‌گرایی ترکی، اسلام‌گرایی را نیز در بر گرفت. در سال ۱۹۰۴، پایه‌های ملی‌گرایی سیاسی ترکی برای اولین بار در اثر یوسف آقچورا با عنوان «سه سبک سیاست» گذاشته شد. در این اثر که در روسیه نوشته شده بود، آقچورا برای زنده نگه داشتن دولت عثمانی، عثمانی‌گرایی، اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی ترکی را مورد بحث قرار داد. او توضیح داد که عثمانی‌گرایی دیگر در شرایط موجود قابل دوام نیست، مزایا و معایب اسلام‌گرایی و ملی‌گرایی ترکی را تجزیه و تحلیل کرد و برای اولین بار ایده ملی‌گرایی سیاسی ترکی را به روشنفکران عثمانی ارائه داد. با این حال، حتی او هم نتوانست به طور کامل تصمیم بگیرد که کدام مسیر سودمندتر خواهد بود و کار خود را با جملات زیر به پایان رساند:

«خلاصه، سوالی که مدت‌هاست ذهنم را مشغول کرده و نتوانسته‌ام پاسخ

رضایت‌بخشی برای آن پیدا کنم، دوباره پیش رویم قرار دارد و منتظر پاسخ است: کدام یک از سیاست‌ها - اسلامی یا ترک بودن - برای دولت عثمانی مفیدتر و عملی‌تر است؟» (آقچورا، ۱۹۷۶، ص ۳۶)

ع. حسین‌زاده، اولین متفکر پان‌ترکیسم، نیز فرمول «ترک شدن، اسلامی شدن، اروپایی شدن» را مطرح کرد. این ایده ع. حسین‌زاده همچنین الهام‌بخش فرمول «ترک شدن، اسلامی شدن، مدرن شدن» ض. گوک‌آلپ بود که در اثر خود «مبانی ترک‌گرایی» از آن استفاده کرد. پدران فکری ترک‌گرایی معتقد بودند که این سه فرمول باید در کنار هم وجود داشته باشند. جمهوری خلق آذربایجان نیز سه رنگ پرچم خود را از این فرمول اقتباس کرد. آبی - ترک بودن، سبز - اسلام، قرمز - مدرنیزاسیون. در آذربایجان، ایدئولوژی ترکیسم و

^{۱۴} CAVAD, ۱۹۹۲: ۱. C. S. ۱۳۷-۱۳۸

^{۱۵} CAVAD, ۱۹۹۲: ۱. C. S. ۱۴۳-۱۴۴

پان ترکیسم که با ع. حسین‌زاده آغاز شد، به طور برجسته‌ای توسط شاعرانی مانند ع. صحت، ع. شائق، ح. جاوید، ج. جبارلی و ا. جواد در ادبیات منعکس و تبلیغ شد. خود عبدالله شائق در سال ۱۹۲۷ می‌نوشت:

«علی بیگ شاعران ارزشمندی را پرورش داد که نامشان امروزه در ادبیات آذربایجان با احترام و افتخار ذکر می‌شود، مانند محمد هادی^{xviii}، صابر، صحت و حتی جواد و جاوید.» (جواد، جلد ۲، ۱۹۹۲، صفحه ۹۱)

ناسیونالیسم ترکی و توران گرایی ا. جواد بُعد دیگری به ادبیات رمانتیک ما بخشید. حتی مضامین آذربایجان و استقلال در آثار شاعر نیز با ناسیونالیسم ترکی توران گرایی و اسلام گرایی عجین شده است. به همین دلیل است که او گفته است:

«خدا یا! ترک‌ها به حمایت تو پناه برده‌اند. آنها لطف تو را دیده‌اند و رحمت تو را تجربه کرده‌اند. به حق خون شهدای ما که برای دینی که فرستادی ریخته شده، ما را ناامید مگردان!» (جواد، جلد ۲، ۱۹۹۲، ص ۸۴)

- AĞAOĞLU, Ahmed bey, 2007, Seçilmiş Eserleri, Şark-Garp, Bakü
- AKÇURA, Yusuf, 1976, “Üç Tarz-ı Siyaset”, Türk Tarih Kurumu Yayınları VII. Dizi, Sayı: 73, Ankara
- ALİYEVA (KENGİRLİ), A.İ. 2002, Azərbaycan Romantiklərinin Yaratıcılığında Türkçülük, Elm, Bakü
- CAVAD, Ahmed, 1992, Seçilmiş Eserləri, Eserləri (Transliterasyon, Tertip, Mukaddime, İzah və Şerhlerin müəllifi: Ali SALEDDİN), 1.cilt, Azərneşr, Bakü
- CAVAD, Ahmed, 1992, Seçilmiş Eserleri, (Transliterasyon, Tertip, İzah və Şerhlerin müəllifi: Ali SALEDDİN 2. cilt, Azərneşr, Bakü
- GARDAŞ KÖMEĞİ, 2002, (Tertip ve önsöz: Nezaket Gafgazlı), Nurlan, Bakü
- GÖYALP, Ziya, 1991, Türkçülüğün Esasları, Maarif, Bakü
- HÜSEYNZADE, ALİ BEY, 2008, Seçilmiş Eserleri (Transliterasyon, Tertip, Mukaddime, Şerh ve İzahların müəllifi: Ofeliya BAYRAMLI), 1.cilt, Çarşıoğlu, Bakü
- MİRZA BALA 1953: İstiklal Zaferinin Destanı, “Azerbaycan” aylık kültür dergisi, sayı 6 (18), yıl II, eylül
- MUHTASAR AZERBAIJAN EDEBIYATI TARİHİ, 1944, 2. cilt, Kızıl Şark, Bakü
- RESULZADE, M.E. 1990, Azərbaycan Cumhuriyeti, Elm, Bakü
- SARAÇLI, Eflatun, 2007, Azərbaycan Yazıçıları Cumhuriyet Döneminde, Elm, Bakü
- SÜLEYMANOV, M. 2000, Azərbaycan'da Türk Şehitlikleri, Harbi Neşriyat, Bakü

ⁱ (که بعدها با نام حسین‌زاده علی توران شناخته شد؛ ۱۸۶۴-۱۹۴۰) نویسنده، متفکر، پزشک، نقاش و فیلسوف برجسته آذربایجانی بود. او یکی از تأثیرگذارترین ایدئولوگ‌های جنبش ملی آذربایجان و پان‌ترکیسم در آغاز قرن بیستم محسوب می‌شد.

ⁱⁱ (۱۸۲۳/۱۸۳۸-۱۹۲۴)، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ آذربایجان، یک غول نفتی مشهور، صنعتگر و نیکوکار بزرگ، که در میان مردم به عنوان «پدر ملت» شناخته می‌شود. تقی‌اف که در یک خانواده کفاش فقیر متولد شد، از دستکاری بنا به یک میلیونر تبدیل شد و ثروت عظیم خود را صرف آموزش، بیداری فرهنگی و ایجاد صنعت ملی مردم آذربایجان کرد.

iii آقا موسی نقی‌اف (۱۸۴۹ - ۴ مارس ۱۹۱۹) قدرتمندترین و ثروتمندترین کارآفرین، میلیونر نفتی و نیکوکار آذربایجانی دوران رونق نفتی باکو بود که در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم زندگی می‌کرد. او از نظر میزان سرمایه و تعداد املاکی که ساخته بود، در بین ۱۱ میلیونر معروف باکو رتبه اول را داشت و «سلطان نفت» زمان خود محسوب می‌شد.

iv محمدامین رسول‌زاده (۱۸۸۴-۱۹۵۵) دولتمرد، سیاستمدار، روزنامه‌نگار برجسته آذربایجانی و یکی از بنیانگذاران جمهوری دموکراتیک آذربایجان (۱۹۱۸-۱۹۲۰) بود. او ریاست شورای ملی آذربایجان را بر عهده داشت و نقش مهمی در اعلام استقلال این کشور از امپراتوری روسیه ایفا کرد. نقل قول معروف او، «پرچمی که یک بار برافراشته شود، هرگز پایین نخواهد آمد!»، به نماد و شعار اصلی جنبش استقلال ملی آذربایجان در قرن بیستم تبدیل شد.

v (۱۲ مارس ۱۸۷۰، گنجه - ۱۹۲۰) — یک مربی، آموزگار، فولکلورشناس برجسته آذربایجانی و به ویژه نویسنده کتاب‌های درسی الفبای جدید. شاعر احمد جواد او را «معلمی بی‌نظیر در آموزش الفبا» و کتابی را که او تهیه کرده «اولین الفبای جهان ترک» نامیده است.

vi مربی، زبان‌شناس و روشنفکر در آغاز قرن بیستم؛ او در مدارس انجمن خیریه مسلمانان باکو و مؤسسات آموزشی گنجه، در کنار روشنفکران برجسته آن زمان مانند عبدالله سور و علی نظمی تدریس می‌کرد. در این مدارس، او نقش مهمی در تربیت نسلی از جوانان با آگاهی ملی قوی، از جمله چهره‌هایی مانند شاعر مشهور احمد جوانی، ایفا کرد.

vii (۱۸۸۸-۱۹۳۸) معلم، مربی، شاعر و طنزپرداز مشهور آذربایجانی بود که در اوایل قرن بیستم می‌زیست. او سهم بسزایی در دنیای آموزش و ادبیات، به ویژه در دوران بیداری ملی آذربایجان و سال‌های اولیه شوروی، داشت.

viii علی نظمی (اعلی نظمی، ۱۸۷۸-۱۹۴۶): شاعر طنزپرداز مشهور آذربایجانی و نماینده کلیدی رئالیسم قرن بیستم. او اولین کسی بود که شاه لیر شکسپیر را به آذربایجانی ترجمه کرد و سال‌ها به عنوان دبیر مجله طنز تأثیرگذار ملا نصرالدین فعالیت داشت.

ix (نام واقعی: میرزا عبدالله محمدزاده، همچنین شناخته شده با نام عبدالله توفیق) محقق، منتقد و معلم ادبی برجسته آذربایجانی بود. او در ۲۳ ژوئیه ۱۸۸۳ در گنس (که در آن زمان جلیز اوپول نام داشت) متولد شد و در سال ۱۹۱۲ در سن ۲۹ سالگی در همان شهر درگذشت. با وجود زندگی کوتاهش، او تأثیر قابل توجهی بر تحولات ادبی ترکی و آذربایجانی در اوایل قرن بیستم گذاشت.

x رضا توفیق بولوبکاشی (۱۸۶۹-۱۹۴۹) شاعر، فیلسوف، پزشک و دولتمردی چندوجهی بود که تأثیر عمیقی بر ادبیات، سیاست و تاریخ روشنفکری ترکیه گذاشت. به دلیل علاقه شدیدش به فلسفه و نوشته‌هایش در این زمینه، در زمان خود به عنوان «فیلسوف رضا» شناخته می‌شد. او شخصیتی پیچیده و تراژیک بود که هم شاهد زوال امپراتوری عثمانی و هم شاهد تأسیس جمهوری ترکیه بود.

^{xi} [محقق، منتقد ادبی و شاعر آذربایجانی است] که به خاطر آثارش در زمینه ادبیات آذربایجان، مسائل نثر و هنر آشیقی شناخته شده است. ساراچلی که در گرجستان متولد شده و ریشه‌های ادبی‌اش در حلقه ادبی بورچالی است، سهم قابل توجهی در تحقیق در مورد ادبیات جهان ترک داشته است.

^{xii} روزنامه‌نگار، مربی، ناشر و روشنفکری با اصالت تاتار کریمه بود. گاسپیرالی که از ۲۰ مارس ۱۸۵۱ تا ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۴ زندگی می‌کرد، در سراسر جهان ترک به خاطر شعارش «وحدت در زبان، اندیشه و عمل» شناخته می‌شود. او شخصیتی برجسته بود که زندگی خود را وقف نوسازی جوامع مسلمان و ترک ساکن در دوران امپراتوری روسیه، ارتقاء سطح تحصیلات آنها و متحد کردن آنها پیرامون یک آگاهی مشترک کرد.

^{xiii} (۱۸۸۵-۱۹۶۶) روشنفکر، شاعر، دیپلمات و سیاستمدار برجسته ترک بود که نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت فرهنگی و آموزشی جمهوری اولیه ترکیه ایفا کرد. او به ویژه به عنوان یک سخنران چیره دست "خطیب ملی" و به خاطر رهبری طولانی مدتش بر سازمان تأثیرگذار "تورک اوچاگی" شناخته می‌شود.

^{xiv} ضیاء گوکالپ (با نام اصلی محمد ضیاء در ۲۳ مارس ۱۸۷۶ - ۱۲۵ اکتبر ۱۹۲۴) جامعه‌شناس، نویسنده، شاعر و سیاستمدار پیشگام ترک بود. او به طور گسترده به عنوان تأثیرگذارترین روشنفکر شکل‌دهنده ملی‌گرایی ترکی شناخته می‌شود و نقش مهمی در گذار از امپراتوری چندفرهنگی عثمانی به جمهوری مدرن و سکولار ترکیه ایفا کرد.

^{xv} آجارستان (یا جمهوری خودمختار آجارا)، یک جمهوری خودمختار در جنوب غربی کشور گرجستان است. مرکز این ایالت شهر ساحلی و توریستی باتومی است که دومین شهر بزرگ گرجستان به شمار می‌رود

^{xvi} میرزاابالا محمدزاده (۱۸۹۸-۱۹۵۹) سیاستمدار، روزنامه‌نگار، مورخ برجسته آذربایجانی و یکی از چهره‌های کلیدی حزب مساوات بود. او از نزدیک با محمد امین رسولزاده همکاری داشت و در سال ۱۹۱۸ نقش مهمی در تأسیس جمهوری دموکراتیک آذربایجان که عمر کوتاهی داشت، ایفا کرد.

^{xvii} یوسف آقچورا (۲ دسامبر ۱۸۷۶ - ۱۱ مارس ۱۹۳۵) مورخ، نویسنده و سیاستمدار ترک متولد تاتار و یکی از چهره‌های برجسته ملی‌گرایی ترکی و جنبش ترک‌گرایی بود.

^{xviii} (نام کامل: آقا محمد پسر حاجی عبدالسلیم عبدالسلیم‌زاده؛ ۱۸۷۹، شماخی - مه ۱۹۲۰، گنجه) مشهورترین و قدرتمندترین یکی از نمایندگان جنبش رمانتیک در ادبیات آذربایجان است. آن شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار است.

یوسف آقچورا (۲ دسامبر ۱۸۷۶ - ۱۱ مارس ۱۹۳۵) مورخ، نویسنده و سیاستمدار ترک متولد تاتار و یکی از چهره‌های برجسته ملی‌گرایی ترکی و جنبش ترک‌گرایی بود.

^{xviii} (نام کامل: آقا محمد پسر حاجی عبدالسلیم عبدالسلیم‌زاده؛ ۱۸۷۹، شماخی - مه ۱۹۲۰، گنجه) مشهورترین و قدرتمندترین یکی از نمایندگان جنبش رمانتیک در ادبیات آذربایجان است. آن شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار است.